

گذران

در سایه هول هیولا
نقشم را می‌خندم
می‌گیریم
پرتگاه آن سوی پرده‌های نمایش
دهنی دارد به پهنای بهشت و ژرفای دوزخ

دختران دلربای دنیای داد و گرفت
برهنه می‌شوند برای آگهی و آگهی
در سایه هول هیولا
دستی بر سطح روشن آگاهی روشن فکرِ عصرِ عصر
دکمهٔ پسند می‌فشارد
بیدار
نقش بر آب
از خواب می‌پرد
زنیهار
بر سفارشِ داروی خواب‌آور
کلیک می‌زند

آزادی را

بر فرمانِ گذران*
بام تا شام
بی سر و سر
می رقصم و می بندم
در سایه هول هیولا
مثل همه تلخکانِ مستِ مست

•

عزیز الله ایما

*گذران در پهلوی معنای مندرج لغتنامه‌یی، در زبان و گویشِ پارسیِ ما، ساختن با روزگار، صبر و صبوری پیشه‌کردن و تحملِ سختی را نیز گویند.